

تبارشناسی «تراگذرنده‌گی تحریم‌های ضد ایرانی»
در جامعه‌شناسی سیاسی پساانقلاب اسلامی
سعید چهرآزاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

چکیده:

در ایران هنگامه‌ای که از تحریم سخن به میان می‌آید، ذهن همگان متوجه تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه اتمی کشور می‌شود. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸، همواره با شدت و ضعف مختلف در معرض انواع تحریم‌های اقتصادی، نظامی و فشارهای دیپلماتیک کشورهای غربی و شورای امنیت سازمان ملل بوده است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران بعد از تسخیر سفارتخانه آن کشور در تهران (در آبان ۱۳۵۸) شروع شد و تا به امروز بدون وقفه ادامه داشته است. تحریم‌های آمریکا و دیگر کشورهای غربی به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، نقض حقوق بشر، فعالیت‌های غیرمجاز هسته‌ای، ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک و مداخله نظامی ایران در کشورهای دیگر اعمال شده است. این مقاله با مفروض گرفتن تصاعدی بودن تحریم‌های بین‌المللی با محوریت ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی به دنبال پاسخ به این سوال است که "تحریم‌های ضد ایرانی" چگونه از منظر جامعه‌شناسی سیاسی دچار دگردیسی شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با استفاده از کارکردهای نظامی، امنیتی، سیاسی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری آن، به مرور زمان دچار تحول و تطور ماهوی گشته است.

واژگان اصلی: سیاست تحریم، تبارشناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تراگذرنده‌گی، ایران.

۱. پژوهشگر فوق‌دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در تاریخ اقتصادی ایران، رویارویی با تحریم‌ها تنها منحصر به تجربه ایران پس از انقلاب اسلامی نمی‌شود و قبل از آن در دوره حکومت ملی مصدق، اقتصاد ایران مجبور به تحمل تحریم‌های اقتصادی شده بود. (آذری، ۱۳۸۷: ۶-۷) باید بیاد داشت که تحریم‌های دوران ۱۳۳۰ از نظر ابعاد و گستردگی با تحریم‌های کنونی قابل مقایسه نیستند. از جمله تفاوت‌هایی که می‌توان برای دوانگار شمردن تحریم‌های زمان مصدق و تحریم‌های پس‌انقلاب اسلامی در نظر گرفت این است که تحریم‌های دوران ۱۳۳۰ بیشتر و عموماً توسط انگلستان و با محاصره دریایی ایران عملاً امکان صادرات نفت ایران را از بین برد و کمپانی‌های نفتی هم از خرید نفت ایران خودداری کردند؛ اما بعد از انقلاب تحریم‌ها نه به شکل مداخله نظامی بلکه با روش‌های مالی و حقوقی و در قالب تحریم‌های ایالات متحده و متحدین آن یا تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل اعمال گردید.

در آن برهه از زمان نه تنها بریتانیا بلکه ایالات متحده نیز با رویکردی هم‌افزایانه و دوجانبه فشارهای و تحریم‌های اقتصادی متعددی را علیه دولت مصدق اعمال نمود. (آقای، ۱۳۸۶: ۵) اهمیت و نقش تحریم‌ها در مجموع پس از پایان جنگ سرد و تغییر نقطه تمرکز سیاست بین‌الملل از امنیت و نگرانی‌های امنیتی به علائق و امنیت اقتصادی، علاقه به استفاده از ابزار نظامی کاهش داده و قابلیت ابزارهای اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی افزون ساخته است. این مساله از دو امر ناشی می‌شود: اول اینکه در مقایسه با ابزارهای نظامی، تحریم‌های اقتصادی هزینه‌چندانی برای طرف‌های تحریم‌کننده ندارد، دوم اینکه این پتانسیل را دارد تا مخالف‌های درونی را بر ضد نظام و دولت حاکم بر انگیزد.

به عبارتی دیگر، تحریم اقتصادی نوعی جنگ نرم است که در چند دهه اخیر به کرات توسط کشورهای قدرتمند صنعتی و شورای امنیت سازمان ملل بر علیه کشورهای دیگر وضع شده است. در دنیای معاصر بواسطه جهانی شدن و افزایش وابستگی متقابل اقتصادها، آسیب‌پذیری کشورها در برابر تحریم‌های تجاری و مالی افزایش یافته است. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود سعی می‌کنند با توسل به تحریم‌های تجاری و مالی بر کشور هدف فشار وارد کنند. نتیجه بخش بودن تحریم‌ها از پیش به دقت قابل پیش‌بینی نیست و به عوامل متعددی بستگی دارد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: یکم- قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای تحریم‌کننده در نظام جهانی، دوم- نحوه طراحی و اجرای تحریم‌ها، سوم- تاب‌آوری سیاسی و اقتصادی کشور تحریم‌شده و چهارم- مدت اعمال تحریم‌ها. (معین‌الدینی و انتظارالمهدی، ۱۳۸۸: ۲)

از این جهت، تحریم‌های تکنولوژیک یکجانبه یا چند جانبه از طریق هفت قدرت بزرگ صنعتی، تحریم‌های تجاری، افزایش تعرفه های گمرکی بر صادرات کشور مورد نظر و سرانجام تحریم‌های مالی (به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) به کار گرفته می‌شود. این تحریم‌ها نه تنها مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد، بلکه از راه افزایش و تشدید مسائل و گرفتاریهای اقتصادی و در پی آن مشکلات اجتماعی و سیاسی می‌تواند زمینه را برای تحولات سیاسی در درون کشورهای مورد نظر آماده کند.

بنابر همین استدلال، نقطه آغاز این پژوهش آن است که تحلیل تحریم‌ها را باید به صورت دگرگون شده یک تهدید نظامی علیه کشور ایران دیده شود. البته جنگ می‌تواند هم آثار مثبت و هم آثار منفی برای یک اقتصاد داشته شد. برای این پژوهش مهم آن است که تاثیر تحریم‌ها بر سطح توسعه اقتصادی-تولید و فنآوری را مشخص نماید.

روند تاریخی فرآیند استفاده از تحریم‌ها علیه ایران

همانطور که گفتیم سه نوع گفتمان ملی در رابطه با اینکه به مثابه فرصت و یا تهدید برای نظام ملی نوآوری ماست وجود دارد. در مقابل با تعدد گفتمان‌های اجتماعی، در مباحث علمی، برعکس قلت منابع و اطلاعات مشاهده می‌شود. حتی در مورد اینکه آثار این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در چه زمینه‌هایی بوده است نیز اطلاعات کافی وجود ندارد و همین امر یک ارزیابی عینی از میزان صحت گفتمان‌ها در رابطه با تاثیر تحریم‌ها را مشکل می‌سازد.

در مروری بر ادبیات اینطور به نظر می‌رسد که صاحب نظران خارجی نیز دارای چند دستگی هستند. برخی تحریم‌های را بسیار اثر گذار می‌دانند. عده دیگری نیز با اشاره به ساختار کنونی بازار بین‌المللی، تحریم‌ها را فاقد توانایی برای اثر بخشی می‌دانند. آنها می‌گویند که بازار جهانی هزاران کارگزار دارد که بسیاری از آنها برای کسب شان، راه دور زدن تحریم تجاری را می‌یابند و با بهره برداری از موقعیت، سود سرشاری به دست می‌آورند. یا اینکه دولتهای اروپایی به عنوان ارکان سرمایه‌داری حتی اگر به تحریم سیاسی و نمادین پایبند باشد، مانع از تجارت "حامیان" خود با کشور تحت تحریم نمی‌شود و تحریم تجاری را به طور موثر به اجرا نمی‌گذارد.^۱

^۱ در این باره شواهد زیادی وجود دارد. بطور مثال اخبار حاکی از تخلف بانکهای مهم اروپایی در ممانعت از معامله با ایران قابل ذکر است.

ناظرین ایرانی و آشنا با مسائل ایران نیز در مورد تاثیر تحریمها اجماع نظر ندارند. از یک سو صاحب‌نظرانی مانند جهانگیر آموزگار، معتقدند که ایران به لحاظ برخورداری از منابع نفت و موقعیت استراتژیک، بطور طبیعی در برابر تحریمها مقاوم است زیرا به محض مورد تهدید قرار گرفتن، و افزایش تنش در منطقه و آبراه خلیج فارس، قیمت نفت افزایش یافته و درآمد ارزی این کشور افزایش پیدا می‌کند. (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۸۸-۸۹) کما اینکه همانکون (آبان ۱۳۹۱) کاهش سیصد هزار بشکه کاهش در روزصادرات نفت خام ایران با افزایش ۱۵ درصدی قیمت نفت خام جبران می‌شود. (باقری دولت آبادی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۷)

از سوی دیگر محققانی مانند سارا شیر خانی از طریق مدل‌های اقتصادسنجی ثابت کرده‌اند که ایران حداقل در بخش صادرات غیر نفتی دچار آسیب‌های جدی اقتصادی در اثر تحریم‌گشته است (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۸۹) و بالاخره ناظرینی مانند میرعمادی (شایگان، ۱۳۸۰: ۲۳۴) تحریم‌ها را دارای تاثیرات دوگانه مثبت و منفی دانسته و آثار منفی آنرا تنها تشدید کننده آسیب‌های ساختاری - نهادی جامعه اقتصادی می‌دانند و معتقدند شکستهای سیستمی نظام نوآوری در ایران منشا داخلی دارد که با عوامل خارجی (تحریم) تشدید می‌گردد.

برای اینکه برآوردی از تاثیر تحریمها بر نظام ملی نوآوری و سطح علم و فناوری داشته باشیم، نخست باید روند تاریخی ۳۰ ساله تحریمها در ایران را مطالعه کنیم و درجه، حوزه و ماهیت تحریمهای مختلفی که از سوی جامعه جهانی بر ایران تحمیل شده است، شناسایی کنیم. سپس با استفاده مدل‌های ارائه شده، این تاثیر این تحریمها در ایران را تحلیل نماییم.^۱

روندها و فرایندهای ریخت‌شناسانه تحریم‌های اعمالی علیه ایران

اصولا تحریم‌های بین‌المللی را به صورت کلی از درگاه سه گانه تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های فرهنگی-ارتباطی تقسیم بندی می‌نمایند. (انصاریان،

^۱ اولین مرحله تحریم در سال ۱۳۵۹ با آغاز بحران گروگانگیری از سوی آمریکا بطور یک جانبه آغاز شد و در طول این فرآیند تاریخی سی و چندسال هم مطابق تعریفی از ماهیت و منبع تحریمها در فصول اول و دوم ارائه دادیم، گسترش یافته و هم بنا به تعریفی که از درجه شدت تحریمها کردیم، تشدید شده است. این ارزیابی اولیه ما در مطالعه جزییات تحریم که در بخش‌های پیش رو مشاهده می‌شود، تایید می‌گردد.

۱۳۹۳: ۱۴۳) اما در این پژوهش سعی شده است با ابتکاری ژرف‌نگارانه تحریم‌های اعمالی علیه ایران را با رویکردها و رهیافت‌هایی دیگرگونه مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم که در ادامه به صورت تفصیلی به هر کدام از آن رویکردها پرداخته می‌شود.

● رویکرد تحریم‌ها از منظر ژئوپلیتیک

اینکه منشاء و مرجع تحریم از کدامین مدل‌ها و کانال‌های مناسباتی ژئوپلیتیک سرچشمه می‌گیرد می‌تواند نورافکنی بر پژوهش بیاندازد تا به نیکی تحقیق حاضر را بر سرمنزل مقصود بنهاند. در این قسمت از این نگاره ابتدا نوع روابط و سیاست خارجی ایران با دیگر کشورها-با تاکید بر ایالات متحده، اتحادیه اروپا و برخی کشورهای عربی خاورمیانه- مورد مذاقه قرار می‌گیرد تا سپس بتوان ملجاءگاه تحریم‌های اعمالی را از دورنمای دست‌اندازهای ژئوپلیتیک مورد واکاوی قرار داد.

کشوری همانند ایران با موقعیتی ژئوپلیتیکی، سوق‌الجیشی و منحصر به فرد خود نمی‌تواند به اهداف ملی بسنده نماید. و باید اهداف فراملی نیز برای خود انتخاب کند. حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی یکی از اهدافی می‌باشد که ایران در جهت رسیدن به اهداف فراملی برگزیده است (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۷۲) این اصل از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی ایران در قانون اساسی می‌باشد که در راستای اهداف فراملی دنبال و پیگیری می‌شود. حمایت از این نهضت‌ها از ابتدای انقلاب اسلامی با جدیت تمام دنبال شده است. جنبش‌ها و نهضت‌هایی چون حماس، امل، جنبش اسلامی، حزب الله، الحوثی‌های یمن و ... به صورت کاملاً عملی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. (قوام، ۱۳۹۲: ۷۰) از این رو حمایت ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی محمل و دستاویزی برای تحریم‌های اعمالی علیه ایران گشته و در ادبیات نظری مطالعات تحریم از آن با تعبیری چون تحریم‌های مربوط به مداخلات منطقه‌ای ایران در یاد می‌شود.

مناسبات ایران با کشورهای اروپایی نیز در دوره بعد از انقلاب عاری از تنش نبوده است. به گفته سید حسین موسویان، روابط ما با اروپا بعد از انقلاب روابطی متزلزل بوده است و در دوران جنگ بیشتر کشورهای اروپایی به سمت صدام حسین غلطیدند. بعد از جنگ برای بازسازی (انصاریان، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۰) قبل از تنش زدایی بین ایران و اتحادیه اروپا، یک سری حوادث واگرایانه بین این دو کنشگر روابط بین‌الملل اتفاق افتاد که مناسبات فی‌مابین را به سوی بحران سوق داد. این حوادث عبارت هستند از: ترور ایرانیان خارج از ایران، حمایت از نظامی‌گری در کشورهای عربی،

حکم قتل سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره) و چندین مورد دیگر. (علوی، ۱۳۸۷: ۴۷) از این رو روابط این و فرانسه به دنبال اعطای پناهندگی به شاپور بختیار و بنی صدر به سردی گرایید، بریتانیا در سال ۱۹۸۶ از تایید صلاحیت سفیر جدید ایران در لندن به خاطر دست داشتن او در گروندگان گیری سفارت آمریکا در تهران سر باز زد و نهایتاً وزیر امور خارجه بلژیک بعد از جلسه سران اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ این طور بیان کرد که: بلژیک و ۱۱ شریک شورای اروپا بر آن هستند تا درباره فتوای قتل سلمان رشدی فشار بر ایران را افزایش دهند. (مولایی، ۱۳۹۰)

از این رو، اتحادیه اروپا در خصوص ایران کاملاً فعالانه وارد شده و تحریم هایی مستقل از تحریم های شورای امنیت و آمریکا را بر ایران تحمیل کرده است. (کیوان حسینی و عشرتی، ۱۳۹۳) در سال های اخیر اتحادیه اروپا در فاصله زمانی کوتاه و با اجماعی از ۲۷ کشور اروپایی، تحریم های بسیار گسترده و حتی فراتر از آمریکا را علیه ایران تصویب و اعمال می کند؛ تحریم های پیشرو و گزنده تر از آمریکا بر ایران. «پیر امانوئل دوپونت»، وکیل در فرانسه و متخصص حقوق بین الملل عمومی و سرمایه گذاری های خارجی در مقاله خود در نشریه «تضاد و حقوق امنیت» اظهار داشته اقدام های اتحادیه اروپا بر ایران از نظر وسعت و حجم بسیار زیاد و در کل بی سابقه است و این اقدام ها را غیرقانونی اعلام می کند و آن ها را با حقوق بین الملل در یک راستا قرار نمی دهد و عنوان می کند که نمی توان به آن شخصیت تحریم یا اقدام تلافی جویانه را اعطا نمود. (کیوان حسینی و عشرتی، ۱۳۹۳)

مناسبات سیاسی ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی، بسیار پرتنش بوده و گاه به درگیری نظامی مستقیم بین دو کشور انجامیده است. ایران و آمریکا امروزه هر دو یکدیگر را دشمن استراتژیک هم می دانند و تنش در میان دو دولت بعد از خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ به شدت بالا گرفته است. این مسئله که سرآغاز تنش ها و بالطبع تحریم های آمریکا علیه ایران با تصرف سفارت آمریکا در تهران آغازیدن گرفت در بین متخصصین امری بدیهی می باشد. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۸)

• رویکرد تحریم ها از نگرش نهادی

نهادگرایی در روابط بین الملل منشعب و منبعث از نظریات آرمان گرایانه است و بر آن اعتقاد می باشد که بسیاری از اموری که دولت ها توان انجام آن را ندارند، می توان به نهادهای بین المللی واگذار کرد. این طرز تفکر کاتالیزوری بود برای نظریه همگرایی در اروپا و نظریه کثرت گرایی در

ایالات متحده آمریکا که همکاری‌های فراملی را برای حل مسائل مشترک ضروری می‌دانستند. (چوپانی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۶۱) از این رو نگارنده معتقد است برای بررسی تحریم‌های بین‌المللی بدون شک نباید از نقش و تاثیر این نهادها غافل شد و می‌بایست هنجارهای نهادین آن‌ها را در معادلات تحریم‌های بین‌المللی دخیل دانست. در این قسمت سعی می‌گردد به صورتی موجز و خلاصه به تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران که زیر مجموعه تحریم‌های چندجانبه قرار می‌گیرد و مبتنی بر منشور تصویب و اعمال می‌شود اشاره گردد.

تحریم‌های اقتصادی از جمله سازوکارها و مکانیسم‌های اجرایی عمده‌ای است که به ویژه در سال‌های اخیر از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه تعدادی از کشورها تصویب شده است. پیشینه آغاز تحریم‌ها از سوی شورای امنیت در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه دولت‌های رودزیای جنوبی (۱۹۶۶-۱۹۷۹) و آفریقای جنوبی (۱۹۷۷-۱۹۹۴) مشاهده می‌شود. پس از جنگ سرد شورای امنیت چنین تحریم‌هایی را علیه دولت‌های آنگولا (۱۹۹۳)، رواندا (۱۹۹۳)، عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳)، یوگسلاوی سابق (۱۹۹۲-۲۰۰۲)، لیبی (۱۹۹۲-۲۰۰۳)، هائیتی (۱۹۹۳-۱۹۹۴)، سومالی (۱۹۹۴)، لیبیا (۱۹۹۴)، سودان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، سیرالئون (۱۹۹۷)، افغانستان (۱۹۹۹)، اتیوپی و اریتره (۲۰۰۰-۲۰۰۱) و ایران (۲۰۰۷ تاکنون (۲۰۱۴)) اعمال کرده است. هدف از اعمال تحریم‌ها، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت اصول و ارزش‌های ملل متحد در منشور سازمان ملل بیان شده است، اما شورای یاد شده به دلیل دخالت سیاست بین‌الملل با نظر و خواسته قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا به صورت سلیقه‌ای به این موضوع اقدام می‌کند. (چوپانی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۶۱)

در خصوص ایران تا پیش از تصویب قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) و ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) به معروف به نخستین قطعنامه‌های تحریمی بر ایران هستند، قطعنامه‌ای حاوی تحریم تصویب نشده بود، زیرا دستور کار تحریم ایران در شورای امنیت به دلیل گروگان گرفتن دیپلمات‌ها در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ با وتوی شوروری مواجه شده بود. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴۳)

چهار قطعنامه ۱۷۴۷-۱۷۳۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)، شورای امنیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته‌اند. شورای امنیت که یک نهاد سیاسی است، در صدور قطعنامه‌های خود تابع هیچ قاعده و اصل حقوقی نیست، بلکه قطعنامه‌هایی که در چهارچوب فصل هفتم صادر می‌شوند، حتی با فرض نقض قواعد حقوق بین

الملل باز هم لازم الاجرا هستند. از این رو، ناعادلانه‌ترین و سیاسی‌ترین قطعنامه شورای امنیت، قانونی محسوب می‌شود و تنها می‌توان مشروعیت آن را مورد پرسش قرار داد. قطعنامه‌های شورای امنیت تحریم‌های فراگیر جهانی را علیه ایران به اجرا گذاشته و از سوی دیگر، دستاویز سیاسی برای اعمال تحریم‌های یک جانبه شده است. (رزماری، ۱۳۷۲: ۸۰-۸۶)

● رویکرد تحریم‌ها از نظرگاه رهیافتی

اگر مجاز باشیم از منظری رهیافت نگارانه تحریم‌ها به صورت عام و تحریم‌های ایران به صورت خاص را مورد واکاوی قرار دهیم با تسامح و تقانع می‌توانیم دو روایت و خط اصلی نظریات روابط بین الملل را لحاظ و در قالب آن‌ها این مقوله را به تبیین بگذاریم.

از منظر لیبرالیسم، تحریم تنها به منظور تنبیه دسته جمعی یا سازمان یافته کشوری که قواعد جامعه جامعه بین المللی را نقض می‌کند، اعمال می‌شود. بر این مبنا، اولاً سازمان‌های بین المللی مرجع اصلی اعمال تحریم بوده و این سیاست (خاصه در بعد تحریم‌های اقتصادی) راهکاری نافذ در مسیر تحقق نوعی «بازدارندگی عمومی» در عرصه بین المللی باید تلقی شود؛ که در نهایت می‌کوشد بازیگر متخلف را درگیر مجازات ساخته و از این طریق به پیشبرد و تثبیت معیارها و نرم‌های بین المللی کمک نماید. بر این مبنا، در چهارچوب پافشاری لیبرال‌ها بر وجود قوانین و هنجارها در اعمال تحریم، کاربرد آن صرفاً در ارتباط با ضرورت مقابله با رفتار انحرافی از هنجارها و قواعد پذیرفتنی است. این ویژگی به وجه ممیز تحریم و اجبار نیز تبدیل شده است. (کیوان حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲۰) از این رو و از منظر نهادگرایی لیبرال تحریم‌های اعمالی علیه جمهوری اسلامی ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سایر نهادهای بین المللی قابل تفسیر و توضیح است.

رنالیست‌ها بر خلاف طیف لیبرال، تحریم‌ها را به عنوان مجازات اعمال غیرقانونی یا غیراخلاقی تعریف نکرده و بر مبنای رویکرد هستی‌شناسانه نسبت به جایگاه محوری دولت، سازمان‌های بین المللی را صرفاً انجمنی دانسته‌اند که در چارچوب آن، دولت اعمال‌کننده تحریم می‌کوشد دیگر دولت‌ها را نیز برای شرکت در تحریم‌های چندجانبه متقاعد یا وادار نماید. (غرایان زندی، ۱۳۸۷: ۸۹) دال کانونی گفتمان و نظریه رئالیسم-ساختارگرایی تدافعی و ساختارگرایی تهاجمی- این است ابرقدرت‌ها به دلیل تمایل درونی برای اکتساب قدرت فطرتاً به طور ذاتی تهاجمی هستند و برای بقا خویشتن فرضی به جزء این هدف برای خود متصور نیستند.

آن‌ها معتقد هستند به واسطه وضعیت هرج و مرج گونه و نبود اقتدار مرکزی، دولت ملزم هستند بر سر قدرت با یکدیگر رقابت کنند و از هر وسیله‌ای - از جمله تحریم - نیز استفاده کنند. در این رهیافت و نگرش تحریم‌های یک جانبه ایالات متحده نسبت دگرهای خود (others) از جمله جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین و تفسیر می‌باشد.

• رویکرد دوانگارانۀ دسته‌بندی نوین تحریم‌ها علیه ایران

تحریم‌هایی که علیه کارگزار جمهوری اسلامی ایران از سوی نظام بین الملل - با تاکید بر هژمون ایالات متحده - اعمال شده است را می‌توانیم به دو دسته از نوع «زمانی» و به تعبیری نیز «محتوایی» تقسیم کرد.

مرحله اول تحریم‌ها

اولین دسته شامل تحریم‌هایی است که در دوره کارتر و ریگان علیه ایران اعمال شد که می‌توانیم از آن‌ها به عنوان «تحریم‌های بدوی» یاد کنیم. اولین مدل تحریمی ایالات متحده در دوره کارتر و ریگان اعمال گردید. تغییر پارادایمی سیاست آمریکا در قبال ایران از «متحد استراتژیک» به «متخاصم» در سایه حادثه تسخیر لانه جاسوسی، عینیت یافت. نخستین اقدام تحریمی آمریکا در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۷۹ صورت گرفت، بر اساس دستور العمل کارتر برابر با بخش ۲ قانون مهار صدور تسلیحات، از ارسال محموله‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار شامل قطعات یدکی نظامی به ایران جلوگیری شد. وی در ۱۲ نوامبر همان سال اتکای آن دولت به نفت خام ایران را تهدیدی امنیتی دانست و بر مبنای بخش ۲۳۲ قانون گسترش تجارت، واردات نفت خام از این ایران را ممنوع اعلام کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

به هر جهت، پس از پایان داستان گروگان‌گیری در روزهای پایانی ریاست جمهوری کارتر، وی با صدور ۱۰ دستور ویژه تمام تحریم‌ها بر ضد ایران را لغو کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶) اما در ادامه، انگیزه‌های اولیه کابینه ریگان برای اعمال سیاست تحریمی علیه ایران، بر محور موازنه سازی نظامی و عملیاتی میان دو دولت ایران و عراق (در صحنه نبرد تحمیلی) شناسایی شد. بر این مبنای، از هدف اصلی ایالات متحده بر محور پیشبرد راهبرد موازنه سازی منطقه‌ای، در جهت کاهش تدریجی توان دفاعی و عملیاتی ایران سخن گفته شده است. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۳)

دسته اول و به نوعی مرحله اول تحریم‌های یک جانبه از سوی ایالات متحده که از آن به عنوان «تحریم‌های بدوی» یاد کردیم به شدت از رهیافت «واقع‌گرایی ساختاری - تدافعی» کنت والتز

متاثر می باشد. به تعبیری والتزی، فضای آشوبناک محیط بین الملل، دولت ها را تشویق می کند تا به طور تدافعی رفتار کنند و موازنه قوا را حفظ کنند و اجازه ندهند بازیگری جدید (در اینجا جمهوری اسلامی ایران) موازنه را بهم بزنند. (نفیو، ۱۳۹۷: ۲۶)

مرحله دوم تحریم ها

دومین دسته و مرحله از تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران از جانب ایالات متحده، تحریم هایی می باشند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط دولت های بوش پدر و کلبیتون اعمال شد. با توجه به هدف و ابزار تحریم ها، می توان این گونه تحریم ها در این بازه ی زمانی را «تحریم های معطوف به ثروت و بازسازی» نامید. جمهوری اسلامی ایران با عبور موفقیت آمیز از بحران های دهه ۶۰ شمسی وارد دوره ای شد که از آن به عنوان دوره ی «سازندگی» یاد می کنند. در این میان، آمریکا، ایران را بعد از عراق کانون جدید تهدید های منطقه ای و به عنوان «عراق دیگر» مطرح کرد. (نفیو، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲) در این دوره باید از بعد اقتصادی-فناوری تحریم ها سخن گفت که اعمال محدودیت های گسترده بر اساس ممانعت از دست یابی ایران به منابع مالی را مورد نظر داشت. (۲۸) به عنوان مثال، برخی ابتکار های کلبیتون - به انضمام قانون داماتو - در این دوره گواهی بر این مدعاست که شامل موارد زیر می شود: فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹، فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹، فرمان اجرایی ۱۳۰۹۴. (هادی زنون، ۱۳۹۸: ۲۰۴) همچنین در این دوره، تحریم های سرمایه گذاری به ویژه در حوزه نفت و گاز بر تحریم تجاری علیه ایران افزوده شد.

این دسته از تحریم های ایالات متحده علیه ایران به شدت از «واقع گرایی تهاجمی» مرشایمیری تاثیر پذیرفته است. به گونه ای که در این رویکرد نظری چنین استدلال می شود که آنارشی و آشوبناکی محیط بین الملل، دولت ها را وادار می سازد نفوذ و قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. (رضائی پیش رباط، ۱۳۹۵: ۸۴) اتخاذ رهیافت «مهار دوجانبه» از سوی کلبیتون به نوعی فرضیه مذکور را به اثبات می رساند.

گذار از امر عادی به امر امنیتی (فناوری هسته ای به مثابه امر امنیتی)

در طیف بندی مسائل در منطق سیاست خارجی، موضوعات بسته به درجه اهمیتشان به سه دسته تقسیم بندی می شوند: موضوعات عادی، موضوعات سیاسی و موضوعات امنیتی. نحوه رویارویی با هر دسته از این مسائل هم نیازمند سازوکارها و مکانیسم های مجزاست. حکومت ها بسته به شرایط زمانی و مکانی می توانند جایگاه و درجه حساسیت هر یک از موضوعات فوق را

عوض کنند. امنیتی کردن بالاترین درجه حساسیت موضوعات در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست خارجی است که طی آن اهمیت یک موضوع تا درجه بقا، منافع حیاتی و سیاست عالی یک کشور ارتقاء یافته و یک کشور بنا به دلایل وجودی و حیثیتی، با سیاست‌های نرم افزاری مانند دیپلماسی، بسته‌های تشویقی، تحریم‌های علمی، بانکی و فناوری و نیز سیاست‌های سخت‌افزاری مانند حملات پیش‌دستانه، پیشگیرانه، حملات مقطعی و نهایتاً حمله نظامی همه‌جانبه به حل و فصل آن موضوع امنیتی اقدام می‌ورزد. دال مرکزی گفتمان امنیتی کردن مفهوم تهدید است که مستقیماً با منافع حیاتی و وجودی یک کشور سروکار دارد و طبیعتاً در دستور کار نظام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. از لحاظ نظری، دوگانه دوست و دشمن و هویت‌بندی خودی و غیر خودی، اولین نقطه شروع گفتمان امنیتی کردن است. در منطق امنیتی کردن، سیاست‌های کلامی، هویت خودی‌ها و غیرخودی‌ها را تعیین می‌کنند و سیاست‌های عملی تعیین‌کننده نظام تصمیم‌گیری در مقابله با غیر خودی‌هاست. این دو بخش در واقع ترکیب‌کنش-گفتار است. که ماهیت امنیتی کردن در مکتب کپنهاگ است. در فرآیند امنیتی‌سازی، برسازای دشمن‌فرآیندی پایان‌ناپذیر است که نیازمند تعامل هم‌زمان کلام و عمل در حوزه سیاست خارجی رسمی و غیررسمی است. در دستگاه سیاست خارجی آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، کانون و مصداق تهدید از کمونیسم به تروریسم و از اتحاد جماهیر شوروی به سمت دولت‌های یاغی و فرومانده و گروه‌های تروریستی بنیادگرا و فرامرزی تغییر جهت یافت. در این قسمت دال کانونی و مرکزی بحث ما این است که برنامه فناوری هسته‌ای ایران از حالت عادی خارج شده و به حیطه امنیتی‌سازی وارد گشته است و با برسازای ایران به عنوان تهدیدکننده امنیت بین‌الملل کشورمان را با تحریم‌های متعدد یک‌جانبه و چندجانبه مواجه ساخته است. امنیتی‌سازی (securitizing) فناوری‌های دو منظوره از جمله فناوری هسته‌ای یکی از راهبرد‌های ایالات متحده در مقابل ایران برای اعمال فشار و تحریم بوده است. (بامری، ۱۳۹۷: ۴۵)

الهیات تحریم: سازه‌انگاری و نظام معنایی-گفتمانی تحریم‌های ایران

مرحله‌ای از تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران، که نام تحریم‌های «پسا یازده سپتامبر» را می‌توان بر آن نهاد، دو جنبه دارد، این دو جنبه در واقع به علت تحریم‌ها باز می‌گردد. یک جنبه آن رویداد‌های مربوط و معطوف به برنامه هسته‌ای ایران است و جنبه دیگر آن که تحت الشعاع جنبه اول قرار گرفته «جنبه هویت‌انگاران» علت تحریم‌هاست. واقعه تروریستی که در ۱۱

سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاد رویکرد امنیتی ایالات متحده را متحول کرد، بعد از این ماجرا سیاست بوش پسر و همکاران نومحافظه کار وی نسبت به «مسئله ی ایران» تغییری ماهوی داشت. به این معنا که مولفه های تاثیرگذار در سیاست تحریمی ایالات متحده علیه ایران متکثر و متنوع گردید، اما آنچه در ادبیات علمی این موضوع غالباً نمایان شده است، برجسته سازی متغیرهای «هسته ای»، «تروریسم» و «کنترل تسلیحات» در فرآیند تحریم و به حاشیه رانده شدن متغیر «هویت» در تحلیل علت تحریم های دوره ی اخیر است.

قطعه نامه های شورای امنیت سازمان ملل ظاهراً متوجه برنامه هسته ای، تروریسم و یا کنترل تسلیحات است، اما در واقع آنچه مبنای همه این دگرسازی ها (antagonism) شده است، «هویت انقلابی» جمهوری اسلامی ایران در قبال نظام بین الملل، می باشد. هنجارهای بین الاذهانی، هویت ملی و نقش ایران رفتار سیاست خارجی این بازیگر را شکل داده که «تحمل» چنین امری برای ایالات متحده ناممکن گشته و نتیجتاً به مولفه های تحریمی عینی مبدل شده است.

ایران هنجارها و عقلانیت آمریکایی را با ایجاد «غیریت (other)» به چالش کشیده و این بنیادی ترین و اساسی ترین علت تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران به خصوص در آغاز قرن ۲۱ بوده است این دسته از تحریم های ایالات متحده علیه ایران به نوعی متأثر از «فرانظریه برساننده گرایی» الکساندر ونت است. ونت با تکیه بر آراء تعامل گرایان نمادین، کشگری بین المللی را مبتنی بر «معنا» و «امری فرهنگی» می داند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸) ایران هراسی و اسلام هراسی که این اواخر در سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل به مرکزیت گفتمانی این بازیگر شده به دنبال «امر دگرسازی هویت» بوده است.

تحریم های بین المللی و کلان روندهای اقتصاد ایران

به طور کلی، اعمال تحریم های بین المللی از سوی نهادهای آمریکایی و اروپایی به تدریج کلیه بخش های مالی، اقتصادی، آموزش و فن آوری را از موسسات مالی، بانکی و بیمه تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی سازی و حمل و نقل، طلا و فلزات گرانبها، اسکناس و سکه، سرمایه گذاری، آموزش های تخصصی، نرم افزار و تسلیحات را در بر گرفت و به زیساخت های کشور آسیب جدی وارد کرد. مهمترین آسیب های اقتصادی کشور در طول تحریم ها عبارتند از:

۱. مسدود یا غیرقابل استفاده شدن منابع مالی بانک های ایرانی، از جمله بانک مرکزی، در خارج از کشور؛
۲. افزایش ریسک کشوری و نظام مالی و کاهش اعتبار موسسات مالی و در نتیجه کاهش

اعتماد بن المللی به سیستم مالی و بانکی جمهوری اسلامی ایران؛ ۳. افزایش هزینه های صادرات و واردات و تامین مالی؛ ۴. کاهش سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس ۵. محدودیت های صدور ویزا برای تجار ایرانی و در نتیجه کاهش حضور برون مرزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۶. افزایش قیمت کالاهای سرمایه ای ۷. کاهش قابل توجه جذب سرمایه گذاری خارجی ۸. کاهش سرعت عملیات ارزی، افزایش تعداد بانک های واسطه و هزینه های مربوطه؛ ۹. محدودیت تراکنش و خدمات بانکی به کالاهای اساسی و بشردوستانه (نظیر مواد غذایی و دارویی) پس از کسب مجوز از مقامات ناظر کشورهای طرف معامله ۱۰. کوچک شدن سبد ارزی بانک ها با خروج ارزهای جهان روا (دلار، یورو و پوند) و در معرض خطر قرار گرفتن سبد ارزی کشور با ورود ارزهای محلی (نظیر یوان چین، ون کره و روپیه هند)؛ ۱۱. کاهش دریافت وام از موسسات مالی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول؛ ۱۲. کاهش حضور برون مرزی فعالان اقتصادی ایرانی در قالب تاسیس شعبه/دفتر نمایندگی یا خرید سهام؛ ۱۳. اختلال در عملکرد بین المللی بانک های کشور و روی آوردن مشتریان به کانال های غیربانکی نظیر صرافی ها؛ ۱۴. بروز مشکلات اقتصادی و مالی متعدد از جمله نرخ کارمزد بالا، تقلب، تخلفات و فساد مالی و رشد فزاینده اختلاس های مالی و پولشویی و ...؛ ۱۵. محدودیت در دریافت خدمات متداول بانکداری بین الملل و در نتیجه انتقال ریسک تجارت بر طرف ایرانی؛ ۱۶. کاهش تعاملات بین المللی به سطح حداکثر ۵ الی ۷ کشور، در قالب قراردادهای فروش نفت، به صورت مشروط و اعمال محدودیت های خاص؛ ۱۷. تحریم سازمان های بین المللی مخابراتی، معاملاتی و خبری بانکی نظیر انجمن جهانی سوئیفت و رویتز؛ ۱۸. کاهش ارتباط نظام بانکی و موسسات اقتصادی و مالی با نظام بانکی، بازارها و نهادهای بین المللی که به انزوای اقتصادی کشور و کاهش دسترسی به ابزار نوین بانکی و دور ماندن از استانداردهای به روز بین المللی، مانند واحد تطبیق یا ارائه صورت های مالی براساس استانداردهای بال ۲ و ۳ طی ۱۰ سال گذشته انجامید و بازگشت فعالان اقتصادی در شرایط پسابرجام را با موانعی نظیر ضرورت انطباق با دستورالعمل های گروه ویژه اقدام مالی و اطمینان از شفافیت مالی سیستم های مالی و در نتیجه کاهش سرعت توسعه اقتصادی کشور رو به رو می سازد؛ و ۱۹. رواج واردات کالا به روش صادرات با واسطه که علاوه بر افزایش هزینه ها، در زدن تحریم ها و بروز مشکلاتی نظیر سوءاستفاده های اقتصادی و اعمال کنترل های مبارزه با پولشویی را دچار اختلال نمود.

کرونولوژی تحریم‌های هسته‌ای و روند پژوهی گاه‌شمارانه پیشابرجام

مقامات آمریکایی از تجربه تحریم‌های عراق درس‌های فراوانی را آموختند. برخی از این درس‌ها، نوع پاسخ آمریکایی‌ها به برنامه هسته‌ای ایران را شکل داد. برنامه‌ای که در طول سالیان دهه نود وجود داشت. اما در آگوست ۲۰۰۲ وقتی معلوم شد ایران دو پایگاه هسته‌ای ساخته است همه نگاه‌ها عمومی را به خود جلب کرد. این افشاگری‌ها باعث به راه افتادن یک تحقیق بین‌المللی به رهبری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد و در نهایت تحریم‌های فراگیر علیه ایران شکل گرفت و در آخر نیز یک توافق هسته‌ای به وجود آمد که از طریق آن فرآیند حذف همان تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ کلید خورد. (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۲)

ریچارد نفیو در کتاب هنر تحریم‌ها که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ترجمه و منتشر شده است آغاز فشار بر ایران ناشی از برنامه هسته‌ای را این گونه تشریح می‌کند: در سال ۲۰۰۷ آمریکا تلاش کرد فشار بر ایران را به صورت قابل توجهی از طریق متقاعد کردن کشورهای دیگر در مورد خطرناک بودن برنامه هسته‌ای ایران و شتاب آن در در جهت نقض قوانین بین‌الملل افزایش دهد و این نکته را جا بیاندازد که ایران عملاً به سمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌رود. در این مسیر خود ایرانی‌ها خوراک بسیار خوبی برای ما آمریکایی‌ها فراهم کردند که مهمترین کار در این زمینه تصمیم ایران برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم در تاسیسات نطنز بود. این تصمیم به آمریکا این امکان را داد تا به صورت واضح و صریح نیاز برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران را قبل از آن که دیر بشود را به جهانیان گوشزد کند. استدلالی که آمریکا در این زمینه مطرح می‌کرد بسیار ساده بود، اگر ایران قرار بود غنی‌سازی را آغاز کند آنگاه چه می‌شود؟ آمریکا سعی داشت به همه بفهماند که هر ماه که از غنی‌سازی اورانیوم در ایران می‌گذرد و این کشور برنامه‌اش را گسترش می‌دهد آن‌ها به سلاح هسته‌ای نزدیکتر می‌شوند. عملاً می‌بینیم سادگی و ساده‌سازی در دیپلماسی جواب می‌دهد. (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹: ۱۴) در سال ۲۰۰۷ کشور ایران به صورت کلی یک کشور نرمال و معمول در نظام مالی بین‌المللی بود و به عبارت بهتر در تمام اقتصادهای دنیا این تنها آمریکا بود که در سال ۲۰۰۷ محدودیت‌های مستقیمی را بر دسترسی ایران به فعالیت‌های مالی وضع کرده بود. سایر کشورها با ایران معامله داشتند که البته محدودیت‌های موردی خاص در این زمینه وجود داشت که به بحث حمایت از تروریسم، پولشویی، فساد و فعالیت‌های مشابه مالی مربوط می‌شد اما عموماً

سایر کشورها ایران را پاک می دانستند و هیچ گونه سابقه ای از فعالیت های پنهانی این کشور که مستحق تحریم باشد را مشاهده نکرده بودند. به تبع این مسئله اولین وظیفه آمریکا بود که نشان دهد تا چه اندازه مشارکت با بانک های ایرانی می تواند برای شرکت ها و نهادها خطر کمک به فعالیت های پنهان ایران را در برداشته باشد. قطعنامه ۱۷۳۷ توانست گام مهمی در این مسیر بردارد، چرا که در پاراگراف عملیاتی شماره ۶ هرگونه خدماتی را که می توانست فعالیت های هسته ای اشاعه محور ایران را تسهیل کند یا به تحویل یک سیستم نظامی هسته ای منجر شود را ممنوع می کرد. در این زمینه خدمات مالی به صورت مشخص مورد نظر بود. آمریکا از این مسئله به نفع خود استفاده کرد و با برجسته کردن میزان مشارکت بانک های دولتی ایران در ارائه این خدمات مالی تا آنجا که می توانست از این مسئله سود برد. شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس این اطلاعات و همچنین اطلاعات خاصی که در مورد مشارکت نهادها در اشاعه هسته ای وجود داشت در قطعنامه ۱۷۴۷ که در مارس ۲۰۰۷ تصویب شد بانک سپه ایران را در لیست سیاه خود قرار داد. این اقدام در کنار تحریم ۶ عضو سپاه پاسداران به آمریکا امکان داد تا بانک های بین المللی را در مقابل این سوال قرار دهد که آیا شما می توانید ثابت کنید که خدماتی به بانک سپه یا افسران مربوطه سپاه ارائه نداده اید؟ به این ترتیب بانک های مختلف در سراسر جهان نیز، بانک سپه را به فهرست سیاه خود اضافه کردند و سایر نهادها و اشخاص تحریمی سازمان ملل را نیز مشمول همین اقدامات قرار دادند. (کیوان حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳)

برجام و دیالوگ ایران و غرب: قرائتی واسازانه

ریچارد نفیو در فصل پنجم کتاب هنر تحریم ها ماهیت دیالوگ ایران و غرب این گونه تعبیر می کند: تحریم های وضع شده بر ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شدید بود. گرچه این فشار در حال افزایش بود؛ اما پاسخ ایران در پایان سال ۲۰۱۰ به هیچ وجه مطلوب و سازنده نبود. با این حال تنها سه سال بعد از کشورهای ۱+۵ یعنی چین، فرانسه، آلمان، روسیه، بریتانیا و آمریکا تحت همکاری اتحادیه اروپا توانستند به توافقی با ایران برسند که نه تنها شدت بغرنج بودن شرایط را کاهش داد، بلکه مسیری برای یک توافق جامع تر در سال ۲۰۱۵-یعنی برجام- به وجود آورد. در اینجا می توان گفت هم فشار و درد مضاعف و هم استقامت و مقاومت مضاعف هر دو بخشی از داستان تحریم ها علیه ایران بودند. اما در پایان کار فشار و دردی که از ناحیه ۱+۵ و خصوصا آمریکا به ایران تحمیل شد، توانایی آن کشور برای استقامت در برابر تحریم ها را تحت تاثیر قرار داد و نیاز به بازگشت به

میز مذاکره و رسیدن به توافق را در ایران تقویت کرد. (ملکی فر، ۱۳۷۸: ۳۴-۴۶)

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه ۲۰ ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ جولای ۲۰۱۵) فی مابین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد. (حسینی و کرمی، ۱۳۷۷: ۱۵۹-۱۶۰) از این رو و به موجب توافق نامه تاریخی برجام و در چهارچوب اختیاراتی که به تیم مذاکره کننده اعطا شده بود، تنها مذاکره در حوزه هسته‌ای صورت گرفته است و در سایر حوزه‌ها مذاکره‌ای انجام نشده و لذا تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با موضوع هسته‌ای رفع شده و تحریم‌ها به بهانه‌های دیگر از جمله برنامه موشکی، تروریسم و حقوق بشر و نیز تحریم‌های اولیه آمریکا، اصولاً مورد مذاکره قرار نگرفته است و باقی مانده‌اند. (آرنت، ۱۳۷۹: ۲۵۱-۲۶۰)

دونالد ترامپ، پسابرجام و مجادله مجدد تحریمی

در دوره اوباما بخشی از تحریم‌ها با ورود ایران به توافق مشترک با کشورهای ۱+۵ یا همان برجام کنار گذاشته شد. اما پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ و روی کار آمدن دونالد ترامپ، ورق برگشت و سیاست‌های تحریم از سر گرفته شد. از سیاست‌های تقابلی با کره شمالی و روسیه تا سیاست‌های تحریم یک طرفه نسبت به ایران، همه و همه نشان دهنده تنش جدی جامعه جهانی و مسائل منطقه‌ای ایران و غرب است. با آغاز سال ۱۳۹۷، زمزمه‌هایی از تحریم به گوش می‌رسید که این اتفاق به دستور دونالد ترامپ در اواسط سال ۲۰۱۸ اجرایی شد. در تحریم‌های اولیه بسیاری از صنایع نفتی و غیر نفتی ایران تحریم شد و در نسخه دوم تحریم‌ها یعنی در آبان ماه ۱۳۹۷ تحریم‌ها علیه بانک‌ها، در نهایت با تحریم بانک مرکزی ایران به حد اعلای خود رسید. تحریم سیستم حمل و نقل ایران و در نتیجه آن کاهش توان صادراتی و وارداتی و به عبارتی ایزوله کردن اقتصاد ایران، کشور و مردم ایران را با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رو کرد. برخی از تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که به نوعی بازگشت تحریم‌ها محسوب می‌شود شامل تحریم خرید و فروش دلار ایالات متحده توسط دولت و مردم ایران و هرگونه مبادله دلاری؛ تحریم تجارت طلا و فلزات گرانبه‌ا؛ تحریم فروش گرافیت، فلزات خام، زغال سنگ و برخی دیگر از کالاهای معدنی و صنعتی؛ تحریم خرید و فروش ریال ایران؛ تحریم بخش خودرو سازی؛ تحریم عملیات بنادر ایران و همچنین تحریم کشتی رانی و کشتی سازی؛ تحریم تراکنش‌های نفتی و

مبادلات مرتبط با شرکت ملی نفت ایران؛ تحریم تراکش های بانکی و مبادلات بانک مرکزی ایران؛ تحریم خدمات بیمه ای و بیمه اتکایی و در نهایت تحریم پتروشیمی ایران می شود.

تحریم جدید در نگاه اول ممکن است مانند سایر تحریم های گذشته باشد، اما در نکته اساسی با تحریم های گذشته متفاوت است. اولین تفاوت این است که، تحریم های جدید با اهداف سیاسی و منطقه ای برای تخریب و نابودی اقتصاد ایران صورت گرفته است و دوم اینکه چنین تحریم هایی با پیشرفت های تکنولوژیک و استفاده از کلان داده یا (BIG DATA) اثربخش تر شده و توان دور زدن تحریم ها برای کشور ایران سخت خواهد بود. به عبارتی منطق تحریم های جدید، تلاش برای انزوای مالی و تجاری اقتصاد ایران است. در این تحریم ها نه تنها نهادها تحریم شده اند، بلکه اشخاص حقیقی نیز در بندهای تحریمی جای گرفته اند. از منظری دیگر، ذکر دونکته حائز اهمیت است. اولین نکته این است که در دوره تحریم های گذشته، صنعت نفت ایران با قیمت های بالاتر نفت در عرصه جهانی روبه رو بود و با صادرات نفتی اندک هم می توانست درآمد لازم را برای اداره دولت کسب نماید. هرچند که این دوره ها نیز، همواره با کسری بودجه بالا همراه بوده است و در عین حال حجم نقدینگی و تورم را بالا برده است. تحریم های سال ۲۰۱۸ برعکس تحریم های گذشته، صادرات نفت ایران را به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داده است. در نتیجه به دلیل قیمت های نه چندان بالای نفتی، تراز مالی دولت کاهش خواهد یافت. نکته دوم این است که مردم ایران در دور جدید تحریم ها، با توجه به سابقه آن و مذاکرات اخیر ایران با غرب تحت عنوان برجام، به خوبی نسبت به تحریم ها آگاهی دارند و در نتیجه در دوره شوک های تحریمی با واکنش لحظه ای، بازار را وارد هیجانات می کنند. این امر با درجه بالای غیررسمی بودن اقتصاد ایران، تشدید می شود. (گوردن، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲)

انتخابات ۲۰۲۰، جو بایدن و چشم داشت بازگشت به رفع تحریم

اگر مجاز باشیم در این نگاره با نیم نگاهی آینده پژوهانه وضعیت تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران را مورد مذاقه قرار دهیم تا اکنون که این سطرها مورد نگارش قرار می گیرند جو بایدن دموکرات پیروز انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده شده است و جایگزینی معاون اول دولت امضاء کننده برجام با ناقض این معاهده بین المللی یعنی دونالد ترامپ امید رفع تحریم های پسابرجامی را در میان دو طرف ایجاد کرده است.

جو بایدن در برنامه انتخاباتی خویش در پلتفرم خط مشی های سیاست خارجی خویش از

بازگشت به برجام دم زده است و شرایط وخیم اقتصادی در ایران نیز وضعیتی را ایجاد کرده است که امکان گفت و گوهای درون برجامی برای رفع تحریم های پسابرجامی متصور است.

رویدادنگاری مقوله محورانه آثار تحریم بر ساحت‌های گوناگون اجتماع ایرانی

مطالعات متعددی به طور خاص به بررسی اثربخشی تحریم ها در ایران پرداخته اند. آموزگار در مطالعه ای نشان می دهد که تحریم های آمریکا نتایج قابل انتظاری به همراه نداشته است به طوری که هیچ گونه تغییری در مواضع ایران صورت نپذیرفته است. کلاوسن (۱۹۹۹) نتیجه مذکور را در مطالعه خود تایید کرده است. وی خاطرنشان می سازد که تحریم ها هیچ گونه فشاری بر ایران به منظور تغییر رفتارشان حاصل نکرده است. پرگ (۱۹۹۷) در مطالعه ای به ارزیابی اثر خالص تحریم های اقتصادی آمریکا بر ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ پرداخته است به طوری که اثر خالص آن را منفی ارزیابی می کند. وی اثر تحریم تجاری بر ایران را در دامنه ۷۰۰ الی ۱۳۰۰ میلیون دلار و اثر هزینه ای تحریم مالی ایران را بین ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع همه هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۵۰۰ الی ۲۶۰۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می کند. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در دامنه ۵/۳ الی ۹/۱ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی در فاصله ۱/۲ الی ۳/۶ درصد و هزینه سرانه تحریم در دامنه ۲۳/۴ الی ۴۰/۵ دلار برآورد می شود. وی نتیجه می گیرد که با وجود این گونه خسارت های اقتصادی، چنین تحریم هایی نتوانسته است ایران را به تغییر رفتار در دستیابی به اهدافش وادار کند. وی پیشنهاد کرده است که آمریکا باید تحریم های یک جانبه را رها سازد. علیخانی (۲۰۰۰) تاثیر تحریم های علیه ایران را از نظر سیاسی و تاریخی بررسی و مشاهده کرده است که اثرپذیری و نفوذ چنین سیاستی بر ایران با شکست مواجه شده است. عسکری و همکاران (۲۰۰۱) تاثیرات اقتصادی تحریم بر ایران را با استفاده از الگوی جاذبه بررسی کرده اند. اثر تحریم تجاری بر ایران را حدود ۲۷ میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را بین ۱۱۶۰ تا ۱۳۲۱ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۱۸۷ الی ۱۳۴۸ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در حدود ۴/۱ الی ۴/۷ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی بین ۱/۶ الی ۱/۹ درصد و هزینه سرانه تحریم در ۱۸/۵ الی ۲۱/۱ دلار برآورد می شود. همچنین آنها نشان می دهند که با وجود هزینه های سنگین بر هر دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده، سیاست های ایران تغییر نیافته است.

تحقیق دیگری که در موسسه اقتصاد بین الملل با استفاده از روش هزینه رفاه و الگوی رهبری قیمت آثار تحریم ها بر اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ انجام شده است، اثر تحریم تجاری بر ایران را پانصد میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را ۲۵۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را ۷۵۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. از این رو نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ برابر ۲/۶ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱/۰ درصد و هزینه سرانه تحریم ۱۲/۱ دلار برآورد می شود. (سیمون، بی تا)

دیرینه‌شناسی اسلوب‌های اعمال تحریم

شیوه اعمال تنبیه های اقتصادی (تحریم) می تواند به سه روش بایکوت، توقیف و مالی انجام پذیرد. بایکوت، در واقع به ممنوعیت واردات یک یا چند کالا از کشور هدف اطلاق می شود. این نوع تحریم باعث کاهش تقاضا برای کالاهای مهم صادراتی کشور هدف می شود. این نوع تحریم به کاهش درآمد ارزی و در نتیجه کاهش توانایی کشور هدف، برای خرید کالاهای اساسی مورد نیاز منجر می گردد. با استفاده از این نوع تحریم می توان به برخی از صنایع خاص که نیازمند واردات کالاهای اساسی برای ادامه تولید هستند، آسیب وارد کرد. این سیاست به دلیل آنکه کشور هدف قادر خواهد بود با دسترسی به دیگر بازارها و یا کشورهایی که از چنین تحریم هایی پیروی نمی کنند یا با ترفندهای گوناگون از تحریم عبور می کنند به تأمین کالای خود بپردازد، کارایی لازم را ندارد. شیوه تحریم از طریق توقیف، صادرات کالاهای مهم به کشور هدف را تحریم می نماید. این روش، ابزار رایج و گسترده ای است که برای تنبیه کشور تحریم شونده استفاده می شود. البته این نوع ممنوعیت در صادرات، ممکن است جزئی یا کامل باشد، در نهایت، تحریم مالی، وام دهی و یا سرمایه گذاری؛ کشور هدف را تعلیق یا محدود می کند. همچنین کشورهای تحریم کننده می توانند محدودیت های مضاعفی را بر پرداخت های بین المللی کشور هدف، نظیر مسدود کردن دارایی های خارجی برای اعمال فشار بیشتر انجام دهند. (سخایی اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۱) جمهوری اسلامی ایران در ادوار گذشته تحریم های خود با هر سه مدل از دیرینه شناسی اسلوب های اعمال تحریم مواجه شده است که البته در گذشته موفق شده است با ترفندهایی برخی از این تحریم های دور بزند، اما با گسترش فناوری های پیشرفته ای چون هوش مصنوعی، کلان داده ها و زنجیره بلوکی امکان دور زدن تحریم ها در وضعیت کنونی سخت تر از گذشته متصور است.

تغییر درک سخت‌افزارگرایانه از «فشار حداکثری» به درکی نرم‌افزارگرایانه از آن

تقارن بی سابقه ای از تغییرات چشمگیر در ساختارهای قدرت در نظام بین الملل، آرام آرام سیاست سیاست های تحریمی را دستخوش دگرگونی می سازد. به گونه ای که اگر سابقاً تعریف فشار حداکثری برای کشورهای چالش گر نظام بین الملل چون ایران سیاست های سخت افزاری چون حملات پیش دستانه، پیشگیرانه، حملات مقطعی و نهایتاً حمله نظامی همه جانبه مدنظر قرار می گرفت، اکنون این فشار حداکثری به سمت و سوی تحریم هایی با تاکید بر سیاست های نرم افزاری چون تحریم های علمی، بانکی، مالی، فناوری و ... تغییر جهت داده است.

هستی‌شناسی بازگونه باورواره «دومنظوره» و جایگاه آن در ساختار تحریم‌های فناوریانه ایران

یکی از ویژگی های فناوری علمی، خصیصه ی "دومنظورگی" (Dual-use) است. این مفهوم بر تأثیرگذاری همزمان فناوری بر دو حوزه ی "بنیه ی دفاعی" و "رشد اقتصادی" جامعه تصریح دارد. به طور مسلم، صرف آگاهی از این ویژگی تأثیرات عمده ای را برای "الگوی سرمایه گذاری ملی-دفاعی در حوزه ی فناوری پیشرفته" به همراه خواهد آورد. از همین زاویه، "طبقه بندی مفهومی فناوری ها از دیدگاه بنیه ی دفاعی" را نیز می توان مورد توجه قرار داد؛ حیطه ای که مواردی چون فناوری حیاتی، فناوری های توان آور، فناوری های اقتصادی کننده و فناوری های زیرساختی را دربر می گیرد. در چارچوب پردازش نقش دوگانه ی فناوری پیشرفته ی دفاعی، مقوله ی "زایش صنعتی" قابل تأمل است. این مفهوم دو حالت کلی را شامل می شود: الف) کاربرد تجاری دستاوردهای تحقیقاتی سازمان های دولتی که به اصطلاح، آن را "انتقال عمودی فناوری" می نامند؛ ب) انطباق تجهیزات، ابزارها یا یک فناوری دفاعی با مصارف غیرنظامی جدید که به اصطلاح، "انتقال افقی فناوری" نامیده می شود. (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴)

تا چند دهه ی قبل که فناوری های تجاری دنباله روی فناوری های دفاعی بود، به طور عمده این نوع زایشهای صنعتی به وقوع می پیوست؛ اما از آن زمان به بعد، که فناوری تجاری بر اثر نیازهای رقابتی به پای فناوری دفاعی رسید و حتی در مواردی از آن پیشی گرفت، جریان معکوس زایش صنعتی نیز پدیدار شد. در نهایت، باید توجه داشت که مقوله ی زایش صنعتی که پرتویی از دو منظورگی فناوری پیشرفته می باشد، از بعد حفظ بنیه ی دفاعی مورد توجه رهبران کشورها قرار گرفته است؛ و در واقع، از همین زاویه است که "زمینه های تقسیم کار ملی میان بخش های دفاعی

و تجاری در توسعه ی فناوری پیشرفته" یا "مشارکت با دیگر دولتها در توسعه ی فناوری های پیشرفته" هویت می یابد. (قهرمان پور، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵)

این الگوی تعامل پیشبرنده میان عرصه های نظامی و غیرنظامی در سایه ی اهتمام بر فناوری های دومانظوره، در مورد جهان سوم نیز مورد تأکید واقع شده است. در این خصوص برخی از تحلیلگران چون باله، مدعی اند که سرمایه گذاری در حوزه ی فناوری های دومانظوره که طیف وسیعی از اقلام دفاعی غیررزمی و فناوری های تولید دفاعی را شامل می شود، زمینه های تقویت هر دو بخش را فراهم آورده و همپوشی حاصل از آن، حداقل از سه جنبه قابل توجه است: اولاً بسیاری از تجهیزات غیررزمی نظامی (به ویژه تجهیزات حمل و نقل، مهندسی رزمی و حتی مخابراتی) که بخش عظیمی از تجهیزات نظامی را حداقل از نظر مقدار و حجم تشکیل میدهند، مورد مصرف غیرنظامی دارند؛ ثانیاً به دلیل پیشرفت هایی که صنایع غیرنظامی در حوزه هایی چون کامپیوتر و مخابرات داشته اند، امروزه بسیاری از قطعات مورد استفاده در تجهیزات نظامی، در ساخت وسایل غیرنظامی نیز به کار می رود و بنابراین، با سرمایه گذاری در این گونه صنایع غیرنظامی، عملاً بخشی از نیازمندی های عرصه ی تولیدات دفاعی نیز تأمین شده است؛ و در نهایت، برخی از فرآیندهای تولید مورد نیاز برای اقلام دفاعی را می توان با صنایع غیرنظامی انجام داد و برعکس. البته در این زمینه تأکید شده است که کار آمدی تدابیر پیش گفته منوط به تدوین استراتژی جامع صنعتی برای کشورهای جهان سومی است، مناطقی که می توانند در سایه ی حداکثر سرمایه گذاری در موارد مشترک و پرهیز از دوباره کاری، به بالاترین دستاوردهای موردنظر دست یابند. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۶)

دو کشور چین و هند از مثال های قابل تامل در خصوص تأثیرگذاری مستقیم بهره برداری از فناوری دو منظوره در عرصه ی توسعه ی صنایع نظامی، محسوب شده اند. در واقع، روند پیشرفت توانمندی های این دو (که در مورد چین به دهه ی پنجاه و در مورد هند به دهه ی شصت باز می گردد)، مرهون سیاست گذاری های خاص در مورد بهره گیری از فناوری غیرنظامی در صنایع نظامی است، که در این مورد، نرم افزارهای رایانه ای، در تقویت توان برنامه ریزی پیشرفته شامل کنترل کیفی در سطوح عالی، ترکیب و ارتباط پیشرفته ی سیستمها و نظام های کنترل در توسعه ی سیستمهای تسلیحاتی نقش مهمی دارند. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۶-۵۷)

به این ترتیب، ظهور نافذ فناوری های دو یا چند منظوره به عنوان نماد مشخصی از تعامل

میان فناوری های نظامی و غیرنظامی و محصول توسعه ی پیچیدگیهای فناوریانه و سرایت آن در طراحی، به کارگیری و بهبود سیستمهای تسلیحاتی، عرصه های جدیدی از اندیشه ورزی استراتژیک را ترسیم می نماید حوزه های نوینی که به طور مستقیم در سطح قابلیت های دفاعی کشورها، به ویژه جهان سوم، تأثیرگذار است.

اما در مورد جمهوری اسلامی ایران وضعیت به صورتی باژگونه مورد تکوین پیدا کرده است؛ بدین گونه دومنظورگی در فناوری های پیشرفته باعث ایجاد دشواره و معضل برای ایران گشته و موجبات امنیتی سازی (Securiting) فناوری های دوکاربرده شده است. انرژی هسته ای به عنوان یکی از نمونه های فناوری های دو کاربرده می باشد که ایالات متحده با دست یازیدن به آن دست به تحریم های یک جانبه علیه ایران زده است.

این استراتژی توسط ایالات متحده سابقا در مورد عراق نیز اتفاق افتاده بود. به گونه ای که این کشور با دست آویز قرار دادن مفهوم «دومنظوره» به طور یک جانبه جلوی ورود کالاهایی را گرفت که گمان استفاده از آن به هر منظوری برای ارتش می رفت؛ این راهبرد با رویکردی تقلیل گرایانه شامل واکسن کودکان، تانکهای آب در طول دوره خشکسالی، مولد برق مورد نیاز برای راه اندازی کارخانه تصفیه فاضلاب، بی سیم برای آمبولانس ها و هر کالای دیگری. (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۱۲)

رنالیسم ایرانی در برابر تحریم غربی

از منظر نظریه های جریان اصلی در روابط بین الملل، نظریه، ساخته ای فکری است که به کمک آن می توان واقعیات بیرونی را ساده سازی و تبیین کرد و فهمی از آن واقعیات به دست آورده و با آن آینده را پیش بینی کرد. از آنجایی که همه نظریه های روابط بین الملل ساخته، پرداخته و منبعث شده از بافتار تاریخی-اجتماعی جامعه غربی است، نگارنده بر آن شده است تا با دست یازیدن به بافت تاریخی و جامعه شناختی ایرانی نظریه ای در خور برای پاسخ به معضل تحریم و واکنش به تحریم ایجاد نماید که می توان نام «رنالیسم ایرانی» بر آن نهاد. در ساختار رنالیسم ایرانی، دولت-ملت ایران برای واکنش به تحریم های غربی، از «توزان سازی مثبت» به عنوان یکی از دال های محوری «نظریه رنالیسم ایرانی» استفاده می کند. بدین صورت که رویه ای برای اتحاد و ائتلاف با نیروهای غیر غربی ایجاد کرده است تا بتواند به شکلی نیابتی برای امنیت یابی خود دست به استراتژی منحصر به فردی در "شطرنج سیاست شرقی" بزند.

چندجانبه‌گرایی فراژئمونیک تحریمی

در این قسمت سعی می‌کنیم بر این ایده پردازش و تکیه کنیم که ادوار تاریخی تحریم‌ها ثابت کرده است که ژئومونی بین الملل صرفاً به واسطه یک جانبه‌گرایی تحریم‌ها را اعمال نمی‌کند بلکه با رویکردی فرا-ژئمونیک و ایجاد اجماع چندجانبه‌گرایانه در اقتصاد سیاسی بین الملل توانسته تحریم‌های اعمالی علیه ایران را به صورتی سیستماتیک بسط و گسترش دهد. همراهی اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه سایر نهادهای بین‌المللی در تحریم همه جانبه ایران که پیش‌تر به صورتی مفصل در مورد آن بحث شد خود گویا و شاهدهی بر این مسئله است.

مفهوم‌پردازی تحریم از پنجره ایرانی: گرت‌برداری از اولترا-مارکسیسم بین الملل

مباحثی که در اجتماعات گوناگون اولترا-مارکسیسم ردیابی می‌شود، چه درباره اتحادیه‌های کارگری باشد، چه پروژه انقلابی و یا پسافوردیسم و غیره، همگی از یک رهیافت مشترک پایه‌ای پیروی می‌کنند. تفاوتی نمی‌کند که آن‌ها علناً مارکسیست می‌باشند یا لیبرتاریائی، و یا برای عملیاتی کردن یک فریضه بین‌المللی دشوار تلاش می‌کنند؛ همگی آن‌هایی که درگیر اولترا-مارکسیسم می‌باشند، ورای تمایزاتشان، بیش و کم چشم داشت یکسانی دارند و آن یعنی اینکه فضا و زمینه‌ای برای نوعی از فعالیت رزمنده بیابند.

از دریچه الترا-مارکسیسم بین‌الملل تاثیر تحریم‌های ایرانی بر سیاست خارجی این کشور بدین صورت قابل تفسیر می‌باشد:

در عرصه سیاست خارجی تحریم اقتصادی آمریکا نتوانست جمهوری اسلامی را در انزوا نگهدارد و موقعیت آن را به عنوان یک کشور یاغی رسمیت بخشد. نتایج سیاسی فشار بر ایران، حتا به سود ایران نیز بوده است. اعلام تحریم ایران و رویارویی آمریکا با ایران اعتبار خاصی به وجهه ایران در بین کشورهای جهان سوم و مسلمان بخشید. در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ که ایالات متحده نخستین مراحل تحریم را بر ایران اعمال کرد، تعداد دوستان وفادار به جمهوری اسلامی در جهان از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. در صورتی که یک دهه بعد و به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی در تئوری و عمل از سوی جمهوری اسلامی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی) و در اولویت قرار گرفتن روابط با اروپا و کشورهای عربی، در اواسط سال‌های دهه ۱۹۹۰ مقامات ایرانی اظهار کردند اینک دشمنان جمهوری اسلامی تنها آمریکا و

اسرائیل هستند. به رغم تحریم های ایران روابطی نزدیک با روسیه، چین، هند، اندونزی و برزیل که مجموعاً دارای نیمی از جمعیت جهان هستند برقرار کرد و با گرایش به کشورهای جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه، کشورهای مشترک المنافع اروپا (به رغم ماجرای سلمان رشدی و موضوعات حقوق بشر) و کشورهای آفریقایی به ویژه آفریقای جنوبی، موجبات کاهش وابستگی به آمریکا را بیش از پیش فراهم نمود. از رژیمی که آمریکا آن را یاغی اعلام کرده است، بارها دعوت شده که در مقام میانجی و حل و فصل، در مناقشات بین المللی وارد شود. فعالیت های دیپلماتیک ایران در لبنان در برقراری آتش بس، برقراری صلح بین اوگاندا و سودان در آفریقا، همکاری با روسیه و نماینده سازمان ملل برای ایجاد تفاهم بین گروههای مخالف دولت تاجیکستان، مسأله کشمیر، قبرس، اکراد شمال عراق و کمک به آلمان برای مبادله اسرا و کشته شدگان مبارزات بین لبنان و اسرائیل، حل و فصل مناقشات آذربایجان و ارمنستان، نقش فعال در میانجی گری میان طرفهای درگیر جنگ داخلی افغانستان، بوسنی و عراق از نمونه این حضور سیاسی در فعالیت های بین المللی می باشد. حتا به رغم مخالفت های آمریکا، نمایندگان ایران به ریاست کمیته های مختلف سازمان ملل و ارگانهای وابسته به این سازمان برگزیده شدند.

تحریم ایران و قرائتی هابزی از سیستم بین الملل

در مورد نوع قرائت از سیستم بین الملل و اینکه چه آثاری بر تعامل دولت ها با همدیگر می گذارند، از سه نوع سیستم آنارشی در عرصه بین المللی صحبت می کنند: الف) سیستم هابزی: در این سیستم «جنگ همه علیه همه» جریان دارد. نوعی بی اعتمادی فراگیر حاکم است، به گونه ای که هیچ کس نمی تواند روی وعده کمک دیگران حساب کند. ب) سیستم لاکي: در سیستم لاکي به جای خصومت هابزی، اصل رقابت مسالمت آمیز حاکم می شود. رقبا از همدیگر انتظار دارند به گونه ای عمل کنند که حاکمیتشان به عنوان حق بدیهی پذیرفته شود. رقبا تلاش نمی کنند همدیگر را تحت سلطه درآورده یا مغلوب سازند. ج) سیستم کانتی: در این سیستم اصل دوستی بر روابط «خود» و «دیگری» حاکم است و دولت ها در قالب هایی نظیر اجتماع امنیتی کثرت گرا و امنیت دسته جمعی متشکل می شوند. زمانی که تحریم های اعمالی علیه ایران را مورد کندوکاو و واکاوی قرار می دهیم به این نتیجه می رسیم که بهترین قالب تفسیر و تحلیل تحریم های ایران در قرائت هابزی از سیستم بین الملل قابل ردیابی است.

پروبلماتیک «ایران» و سیاست خارجی آمریکا

در علوم اجتماعی برای درک بهتر و عمیق تر یک پدیده اجتماعی آن را یک مشکل و معضل نظری یا عملی حل نشده قلمداد می کنند، که از آن به عنوان مسئله سازی (Problematisation) یاد می شود. فلاسفه پدیدارشناس می گویند زمانی که یک پدیده یا اتفاق را عادی و طبیعی تلقی می کنیم تمایل چندانی برای شناخت آن نداریم. میل به شناخت معمولاً با غیرعادی دیدن یک مساله یا موضوع یا همان چیزی که مسئله سازی یا مشکل تلقی کردن می نامیم همراه است. برای حل این مشکل ضروری است طرحی نو درانداخته شود. از این رو آمریکا با ایجاد مسئله سازی و دشواره پنداری از «ایران» توانسته جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک کشور غیرعادی جلوه دهد و از این پتانسیل برای تحریم های مضاعف یک جانبه و چندجانبه علیه ایران استفاده نماید.

طرح پردازی تحریم و جایگاه نخبگان سیاست خارجی آمریکا

جایگاه نخبگان سیاسی تاثیر گذار در هر کشور، با توجه به ساختار و نظام سیاسی آن مشخص می شود. در ایالات متحده، احزاب چندان فعال نیستند و ارکان سیاسی کشور بیشتر بر پایه نخبه گرایی است که با وجود گرایش های مختلف سیاسی و اقتصادی، به طور کلی به دو گروه جمهوری خواه و دموکرات تقسیم می شوند. رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و سناتورها هریک دارای اختیارات و محدودیت هایی در تصمیم گیری های سیاسی هستند و برآیند آرا و تعاملات میان نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، شورای عالی امنیت ملی و گروه های مهم موضع گیری سیاسی کشور را تعیین می کند.

نخبگان سیاسی ایالات متحده در حوزه های مختلفی از قبیل هنجارسازی، فرهنگ سازی، سیاست گذاری و تصمیم گیری فعالیت می کنند و اتاق های فکر جداگانه ای را تشکیل می دهند که به لابی های مختلف یهودی، عرب و... وابسته است. این لابی ها دانش و اطلاعات اتاق های فکر و در نتیجه مواضع و سیاست های ایالات متحده را شکل می دهند. ساختار فکری و موضع گیری نهادهایی نظیر شورای روابط خارجی ایالات متحده و جهت گیری تعدیل گرای برخی اعضای آن نظیر ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی، نسبت به جمهوری اسلامی و گرایش به تقویت قدرت نرم ایالات متحده به جای مواضع خصمانه در مقابل لابی اسرائیلی آپیک و الگوی

جانانان مارکوس برای تشویق عملیات تاکتیکی اسرائیل و ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی در نهایت دو نوع ادبیات ضدایرانی و تعدیلی را در میان نخبگان امریکایی رواج داده است.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه فصل هفتم منشور سازمان ملل، صلاحیت استفاده از ابزار تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت را به شورای امنیت داده است، اما پیامد چنین تحریم‌های یک‌سویه بر کشورهای مختلف از جمله ایران نمایان‌گر اثرات زیان‌بار و فاجعه‌آمیزی بر حقوق بشر بوده و مردم عادی به عنوان قربانی اصلی متحمل بیشترین رنج و مشقت بوده‌اند. در متن و نوشتار حاضر تطورات مدل تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت که وجه اشتراک همه آن‌ها نقض صریح اسناد جهانشمول حقوق بشر بود. به بیان دیگر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران طی سال‌های مختلف، نمونه واضحی از قربانی شدن حقوق بشر از سوی آمریکا و همراهانش است و در این نقض گسترده حقوقی، سازمان‌های بین‌الملل نظاره‌گرانی منفعل بوده‌اند.

کتابنامه

- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴، زمستان.
- انصاریان، مجتبی (۱۳۹۳). تاثیر تحریم های تحمیلی بر ایران از منظر دکترین امنیت انسانی، تهران: موسسه اقتصادی تدبیر اقتصاد.
- آذری، مصطفی (۱۳۸۷). تحریم های اقتصادی؛ آثار و پیامدها، سیاست ها و راهکارها، تهران: موسسه اقتصادی تدبیر اقتصاد، چاپ اول.
- آرنت، اریک (۱۳۷۹). ظرفیت نظامی و خطر بروز جنگ، ترجمه سید شمس الدین میرابوطالبی، محمد خوش قدم نیا و پرویز قاسمی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
- آقای، داوود (۱۳۸۶). «جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی»، فصلنامه سیاست. دوره ۳۷. شماره ۳.
- باقری دولت آبادی، علی و شفیع سیف آبادی، محسن (۱۳۹۵). از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران. تهران: تیسرا.
- بامری، مسلم (۱۳۹۷). «برجام و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا.ایران»، مجله پژوهش ملل، دوره سوم شماره ۳۰.
- چوپانی نجف آبادی، حمید (۱۳۹۱). کارکرد تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در سیاست مهار ایران، تهران: پایان نامه دانشکده روابط بین الملل.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۹). «بررسی فرآیند سیاستگذاری حقوق بشری ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۲)، صص ۳۵-۵۰.
- حسینی، حسین و کرمی، جهانگیر (۱۳۷۷). فناوری و سیاست دفاعی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی.
- دهشیار، حسین و نظری، نوذر (۱۳۹۸). «امنیتی کردن برنامه هسته ای ایران در دولت های بوش و اوباما»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۷، شماره ۲ بهار و تابستان.
- رزماری، هالیس (۱۳۷۲). امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی.
- رضائی پیش رباط، صالح (۱۳۹۵). «تاملی بر دستاوردهای حقوقی برجام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۲، تابستان.

سخایی اردکانی، روح الله (۱۳۸۹). تحریم آمریکا علیه ایران (شکست یک تحریم)، تهران: انتشارات آرون.

شایگان، فریده (۱۳۸۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی (زیر نظر جمشید ممتاز)، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

صادقی، حسین و همکاران (۱۳۹۹). مقدمه ای بر اقتصاد سیاسی ایران در سایه تحریم، تهران: انتشارات نور علم.

صادقی، سید شمس‌الدین؛ احمدیان، قدرت و زارع، سارا (۱۳۹۸). «راهبرد عربستان سعودی در بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس»، ۵(۴)، صص ۲۹-۴۵.

صدیق، میرابراهیم؛ جمشیدی، محسن و پورعظیم، معصومه (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه استراتژی دفاعی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳(۱۱)، صص ۶۳-۹۸.

عباسی، مجید؛ شیراوند، صارم و فتحی، محمد جواد (۱۳۹۸). «ژئوتروریسم و گفتمان ضد تروریسم ایالات متحده آمریکا در نظم هزاره جدید»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳(۱۰)، صص ۱۵۷-۱۸۲.

علوی، ابراهیم (۱۳۸۷). «بحران گرونگانگیری و تحریم ایران»، فصلنامه راهبرد، تابستان.

علیخانی، حسین (۱۳۸۰). تحریم ایران: شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۷). ایران و مسئله ی هسته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۴). مبانی سیاست خارجی تطبیقی: بررسی سه الگوی ایران، ترکیه و چین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲). روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.

قهرمان پور، رحمان. (۱۳۹۴). هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه. تهران: روزنه.

کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۷). واکاوی سیاست کنترل صدور فناوری در استراتژی کلان آمریکا، تهران: موسسه آموزشی صنایع دفاعی.

کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۷). واکاوی سیاست کنترل صدور فناوری در استراتژی کلان آمریکا (۲۰۰۸-۱۹۴۵)، تهران: موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

کیوان حسینی، سید اصغر و عشرتی خلیل آباد، فهیمه (۱۳۹۳). «رویکردی سازه انگارانه به روند تکامل و تشدید سیاست تحریمی آمریکا علیه ایران (۱۹۸۰-۲۰۱۲)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره دوم، بهار.

گوردن، جوی (۱۳۹۲). جنگ پنهان: ایالات متحده و تحریم‌های عراق، ترجمه زهرا کسمتی، تهران: نشر نی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت.

مصطفی زهرانی (۱۳۷۶). نظریه تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه.

ملکی عزین‌آبادی، روح اله؛ موسوی، سید محمدرضا و جلالی‌راد، محمدصادق (۱۳۹۸). «بررسی رویکرد ایالات متحده آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تمرکز بر اقدام دونالد ترامپ در قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، صص ۱۲۹-۱۵۹.

ملکی فر، عقیل (۱۳۷۸). مبانی فناوری و انتقال تکنولوژی از منظر سیاستگذاری برای توسعه فناوری، تهران: سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح.

موسوی، سید محمدرضا و قنبری، سمیه (۱۳۹۹). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان (۲۰۲۰-۲۰۰۱)». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۲)، صص ۲۷۷-۳۰۸.

مولایی، یوسف (۱۳۹۰). شرایط تاریخی و ضرورت گفتمان فراگیر ملی، روزنامه شرق، ۶ بهمن، شماره ۱۴۴۹.

نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

هادی زنور، بهروز (۱۳۹۸). تحلیل علل و پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در چهارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۰، تهران: نشر اقتصاد فردا.

یاوری، کاظم و محسنی، رضا (۱۳۸۹). «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱.